



ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS PART IA

Middle Eastern Studies

Friday 28 May 2010

09.00 – 12.00

MES.3 PERSIAN LANGUAGE

*Candidates should answer **all** questions.*

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** Section booklet.*

STATIONERY REQUIREMENTS

20 Page Answer Book x 1

Rough Work Pad

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed that you may do so by the Invigilator.

SECTION A

Translate the following two passages into English (15 marks)

1. Unseen passage:

مرد تاجر به حرف‌های دخترانش گوش داد و به دل سپرد. اما بیهوده
انتظار کشید که تلخون، دختر هفتمی، هم چیزی بگوید. او تنها نگاه
می‌کرد. شاید نگاه هم نمی‌کرد و تنها به نظر می‌رسید که نگاه می‌کند.
دست‌آخر تاجر نتوانست صبر کند و گفت: دخترم، تو هم چیزی از من
بخواه که برایت بخرم. دختر رویش را برگرداند. مرد تاجر گفت: هر چه
دلت می‌خواهد بگو برایت بخرم. تلخون چشم‌هایش درخشید - این
حالت سابقه نداشت - و با تندی گفت: هر چه بخواهم می‌خری؟ مرد
تاجر که فکر نمی‌کرد نتواند چیزی را نخرد، با اطمینان گفت: هر چه
بخواهی. همان‌طور که خواهرات گفتند. دختر صبر کرد تا همه چشم به
دهان او دوختند. نخستین بار بود که تلخون تقاضائی می‌کرد. آن‌گاه زیر
لب، گوئی که پریان افسانه‌ها برای خوشبختی کسی زیر لب دعا و زمزمه
می‌کنند گفت: یک دل و جگر!

Qesse-ha-ye Behrang, (Tehran, 1382/2004) p. 352.

Additional Vocabulary:

l. 2 and ff.	Name of the girl, Talkhun	تلخون
l. 10	Request	تقاضا
l. 11	Fluttering	پریان

2. Seen passage:

۱ چند جا یکی دو نفر به خیال افتادند که او را گول بزنند. خودشان یا
 دیگری را «شیخ بهائی» نامیدند، اما خنده و هیاهوی خیل بیکاره‌ها و
 تماشاگران کار را خراب کرد، و مرد جوان باز با سماجت و خونسردی در
 هر خانه را می‌کوفت و جلو هر کس را می‌گرفت و سؤالش را تکرار می‌کرد.
 ۵ يك جا به كوچه تنگ و باریکی رسید که چند دهاتی فقیر و لاغر میوه
 هایشان را که روی خرهای لاغرتر از خودشان گذاشته بودند برای فروش
 عرضه می‌داشتند، راه بند آمده بود. همه ایستادند. مرد جوان به پیر
 مردی که میوه می‌خرید نزدیک شد. از او خواهش کرد که به سؤالش
 جواب بدهد. بچه‌ها و بیکاره‌ها از پشت سر او به جلو خیره شدند. چند
 ۱۰ نفر سرک کشیدند. در یکی دو خانه باز و بسته شد و بعد جمعیت، مثل
 برفی که آب شود، به پراکندگی رفت. بچه‌ها که دیگر قضیه برایشان
 شیرینی و لطفی نداشت به خرهای دهاتی‌ها هجوم آوردند و به غارت میوه
 ها مشغول شدند. معرکه‌گیرها از فرصت استفاده کردند و در يك گوشه
 فراخ و وسیع كوچه بساط خود را بر پا کردند که تا دیر نشده و مردم به
 ۱۵ خانه‌هایشان نرفته‌اند کاری انجام بدهند.

SECTION B

Choose **one** of the following topics for a composition in Persian of about 100 words [20 marks].

- a) Describe a kind of animal you like.
- b) Write a letter requesting a doctor's appointment.
- c) Explain why you are studying Persian.
- d) What are your plans for the summer?

SECTION C

Answer **all** the following questions [15 marks].

1. Give the infinitive form and the imperative singular of each of these verbs in Persian:

- a) to shut
- b) to answer
- c) to keep in mind
- d) to turn
- e) to forgive

2. Translate into Persian:

- a) I have been learning Persian for fifteen years !
- b) The shopkeeper was expecting a customer on the first day that the shop was swept clean.
- c) He told me once again that he was not coming.
- d) Stroll with your little brother into the last alleyway on the left before reaching the square!
- e) She saw that there was a little salt in the saltcellar.

3. Translate and analyse the following forms:

- a) شصتم
- b) تصمیم خواهد گرفت
- c) پرورش
- d) میخوانمشان
- e) فلاسفه

4. Complete the sentences with the correct form of the verbs given between brackets and translate the result.

- a) (ديدن آدم تا او را)
- b) (ماندن) بهش فرمان دادم كه هميشه آنجا
- c) يشان سال گذشته بيش از دويست نفر اسير
(گشتن)
- d) (از شرابخانه آمدن دافتا دن و گريه كردن)
- e)) □□□□□ □□ □□□ □□□□□□□□

END OF PAPER